

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نگارش: پ. وارسته

۲۶ سپتمبر ۲۰۱۱

جبین سائی لیبرالیسم ترسو در آستان ارتجاع و استعمار

ایکاش بوروکرات های مزدور و خرمهره های انقیاد طلب و وطنفروش در دستگاه اداره مستعمراتی کابل و حواشی آن قبل از نصب شدن به اریکه قدرت و قرار گرفتن در مدار آن، حد اقل یک بار تاریخ واقعی این سرزمین را مطالعه می کردند و از ظهور و زوال شاهان، کشور گشایان، امیران مستبد، وزیران و مشاوران، مباحثان و مفسران و در دهه های اخیر سران احزاب مزدور و ضد مردمی از نوع تره کی و امین، ببرک و نجیب و مزاری و ربانی و از سرنوشت دلتبار آنها پند و عبرت می گرفتند.

ایکاش وزیران و مشاوران خود فروخته و خائن دولت پوشالی استعمار با آنچه ادعا های پرطمطراق و بلند پروازانه، با القاب "علمی" و اسناد تحصیلی از دانشگاه های بزرگ دنیا بر دوش شان، که آرمان مردم مظلوم و هر دم شهید افغانستان را در پای استعمار دیگری قربان کردند، قبل از امضای هر معاهده ننگین دیگر یک بار معاهدات ننگین گذشته را از نظر بگذرانند و لکه ننگ تاریخی را در پیشانی امضاء کنندگان معاهدات تحمیلی قبلی بنگرند. معاهداتی که پیامد های شوم و ذلت بار آن سرنوشت مردم ما را در مرز های خون رقم زد و هنوز که هنوز است آن معاهدات ننگین گذشته، از این ملت و مردم بد بخت قربانی می گیرد.

تشکیل دولت پوشالی کارتلی و مافیائی افغانستان در نتیجه تجاوز و اشغالگری امپریالیست های تجاوزگر به کشور ما در یک اتحاد استعماری - ارتجاعي و با اهداف معین و حساب شده استعماری در جرگه مشترک خائنان ملی و اربابان امپریالیستی و ارتجاعي شان در "بن" ساخته شد. در ترکیب نا متجانس دولت مزدور پوشالی، نیرو های مرتجع، خونریز و خود فروخته مربوط به اسلام سیاسی، بقایای حزبی، نظامی و امنیتی حزب مزدور و جلاد پیشه خلق و پرچم با جمعی از بوروکرات های وطنفروش شامل چند تن از مرتدان چپ خارج نشین قبلی و خاینان ملی فعلی، حضور داشته اند.

اجزای متشکله این ترکیب در عین پیوند و وابستگی فردی و یا جمعی با دستگاه های استخباراتی و نظامی امپریالیست های اشغالگر و همسایه های طماع و مداخله گر، برای رسیدن به قدرت و حفظ آن و برآورده ساختن اهداف کثیف اشغالگران و بیگانگان آزمند، استقلال، آزادی، حاکمیت ملی و دیگر منافع علیای وطن و مردم ما را به بیگانگان فروختند.

جنگ و صلح ارتجاعی و استعماری، ترور شخصیت های کلیدی مربوط به اسلام سیاسی همدست اشغالگران، کشتار غیر نظامیان توسط هر دو جانب جنگ (اشغالگران و طالبان) معلول تضاد منافع دولت های اشغالگر استعماری و دول مداخله گر و توسعه طلب و حاصل تضاد های جناحی در درون هرم قدرت پوشالی است.

پس از معدوم شدن "قهرمان صلح" استعماری و جاسوس هزار چهره استعمار «برهان الدین ربانی» به دست برادران نا راضی طالب در حصار نیرو های اشغالگر امریکائی، اداره مستعمراتی کابل و باداران امریکائی - انگلیسی اش با دادن لقب " شهید صلح" او را مسخره کرده و در سوگ "قهرمان صلح" به ماتم نشستند.

این "شهید راه صلح" در گذشته خود یکی از سر دسته ها و یکی از عاملان ویرانی کابل و افغانستان، راکت پرانی ها، قتل عام و کشتار دسته جمعی، نسل کشی ها، قتل و نابودی عناصر ملی و روشنفکران وارسته، مترقی و وطن دوست، تجاوز به جان، مال و ناموس مردم افغانستان و خود نمونه برجسته جاسوسی، مزدوری و وطن فروشی در درگاه امپریالیسم و ارتجاع مغرض منطقه است. این جنایات هولناک در حق مردم و کشور چون لکه ننگی بر جبین سیاه ربانی ها و سائر سر دسته ها و وحوش دهاره های اسلامی و ملیشه ها حک شده و در حافظه تاریخی مردم ما و مردم دنیا ثبت شده است.

تجربه خونین سه دهه جنگ بربادگرانه و ویرانگر در افغانستان در اوج قدرتمندی دو جناح متعارض ارتجاع فئودالی و کمپرادوریزم و امتداد خونین تجاوزات سوسیال امپریالیستی و امپریالیستی و درازدستی همسایه های مغرض و ارتجاع منطقه و حاکمیت دهاره های اسلامی و طالبی نشان داد که صلح واقعی و امنیت جان، مال و ناموس مردم و حفظ داشته های مادی و معنوی مردم هیچ گاه زیر چتر استعمار و حاکمیت پوشالی ارتجاعی تأمین نمی شود.

هم اکنون که خادمان کمر بسته امپریالیسم امریکا مصروف تدارک بستن پیمان ننگین اسارت مردم و کشور افغانستان با باداران شان اند، موازی با آن در تاریخ کشور ما صفحه دیگری از سازش و معامله کثیف از همان سنخ گشوده می شود.

منادیان دموکراسی لیبرال علاوه بر خیانت پیشگی آشکار برخی از آنها و "پیمان" های قبلی شان با گروه های مزدور و خاینان ملی دیروز و امروز در کابل، سرگرم تبنانی و بند و بست کثیف با ارتجاع اسلامی، ملیشه ئی و بوروکراتهای خود فروخته در قالب حاکمیت مستعمراتی و در زیر چتر حمایت استعماری اند.

این منادیان دموکراسی لیبرال و جاده صاف کن های استعمار که در گذشته در برخی سازمانهای چپ انقلابی خزیده بودند؛ با صد ها توطئه و تفتین، با ترویج و تبلیغ اندیشه های زهر آگین التقاطی، ضد انقلابی و تسلیم طلبانه شان، آن سازمان ها را ردیالانه از پشت خنجر زدند. به خصوص پس از ضربت خوردن و تضعیف سازمان های چپ انقلابی توسط متجاوزان روسی و عمال خلقی - پرچمی شان و توسط اسلام سیاسی و ارتجاع طالبی، منادیان دموکراسی لیبرال فرصت را مغتنم شمرده، تحت نام "گفتمان" آزاد و ایجاد فضای مباحثات میان روشنفکران ملی - مترقی «شورای دموکراسی برای افغانستان» را تأسیس کردند. من هم به نسبت عدم شناخت از نیات واقعی و اهداف نهانی و وظایف این "ملی - دموکرات" های دروغین، مدت کوتاهی با ایشان همکار بودم. با وقوف بر نیات واقعی و

اهداف و مأموریت پنهانی این دسته، از بابت همکاری کوتاه مدت با اینان از مردم و روشنفکران ملی - مترقی افغانستان معذرت می خواهم.

این منادیان دیروزی دموکراسی لیبرال و جاده صاف کن های کنونی استعمار با پشت کردن کامل به ادعا های دیروزی شان مثل "گفتمان" آزاد، دموکراسی، مدرنیته، حق شهروندی، حاکمیت قانون، سیکولاریسم و... فقط برای دستیابی به قدرت دولتی به هر دنائتی تن داده و با هر شیطانی دست می دهند و "پیمان" می بندند. اینان بیشرمانه با برجسته ساختن سیاست های سکتاریستی و تفرقه افکنانه و دیگر مشارکت های منطقه ئی و تجزیه طلبانه که از ریشه اختلافات ایجاد شده قومی - زبانی آب می خورد، خود را در آغوش ارتجاع اسلامی می اندازند. این منادیان کاذب دموکراسی همدردی و غم شریکی خویش را با اسلام سیاسی و اداره مستعمراتی به مناسبت معدوم شدن خرمهره گردن استعمار و "قهرمان صلح" اشغالگران با وقاحت بی نظیر اعلام می دارند. این مدافعان کاذب دموکراسی با این اعمال ضد ملی و ضد مردمی شان عمر ننگین و حضور سنگین استعمار و به موازات آن جنایات اشغالگران و رنج های بیکران مردم تحت ستم افغانستان را بیشتر ساخته و به اهداف استعماری - ارتجاعی خدمت می کنند. اما در مقابل، پاداش این خدمت را که از قبل روشن است، از داور تاریخ دریافت خواهند کرد!